

فرهنگ عمومی و رفتار اجتماعی

اهداف فصل

فرهنگ عمومی و رفتار اجتماعی

اهداف فصل

هدف کلی آشنایی دانشجویان با مفاهیم و دیدگاه‌های حاکم و

رفتار اجتماعی

اهداف جزئی

1. آشنا کردن دانشجویان با نقش و اهمیت رفتار اجتماعی در

زندگی اجتماعی امروز

2. آشنا کردن دانشجویان با قانون و قانون‌گرایی

3. آشنا کردن دانشجویان با عوامل اصلی قانون‌شکنی در کشور

4. آشنا کردن دانشجویان با دیدگاه‌های حاکم بر رفتار اجتماعی

5. آشنا کردن دانشجویان با رفتار اجتماعی در اسلام

یک نقش و اهمیت رفتار اجتماعی در جهان امروز

تعریف رفتار و رفتار اجتماعی منظور از رفتار آن دسته از حالت‌ها

عادت فعالیت‌ها کنش‌ها و واکنش‌های نسبتاً پایدار است که از

انسان سر می‌زند و همواره قابل مشاهده اندازه گیری و ارزیابی و پیش‌بینی است اعمال که ما در زندگی روزمره انجام می‌دهیم از یک جنس نیستیم به یک شکل دارند همچنین اهداف مشخص و مشابهی را در بر ندارند تعدادی از آنها رفتارهای معمولی تعدادی دیگر رفتارهای اجتماعی و تعدادی دیگر در مواقع خاص نشانه رفتارهای جمعی هستند منظور از رفتار اجتماعی احساسات واکنش‌ها و اندیشه‌های آدمی در فرایندهای اجتماعی است در واقع رفتار اجتماعی کنش متقابل دو یا چند نفر است گاه این کنش یک سویه است یعنی یک فرد دیگر را برمی‌انگیزد و در ادامه خود به وسیله رفتاری که در فرد دیگر به وجود می‌آید برانگیخته می‌شود به طور کلی رفتار اجتماعی عبارت است از کنش‌های معنادار و هدفمند که در جامعه با انگیزه خاصی بروز می‌کند اساس رفتار اجتماعی در اثر تعامل با دیگران به وجود می‌آید انواع رفتار اجتماعی مردم در زندگی روزمره خود در سطح جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند با توجه به شرایط مختلف رفتارهای متفاوت و متنوعی را انجام می‌دهد به طور کلی بر اساس یک تقسیم‌بندی می‌توان این رفتارها را به دو دسته تقسیم کرد الف رفتار اجتماعی

جامعه پسند این دسته به رفتارهای اشاره دارد که مورد قبول جامعه و با قوانین و هنجارهای آن مطابقت دارد این نوع رفتارها سازنده به در جهت پیشبرد اهداف یک گروه یا اجتماع هستند از جمله رفتارهای جامعه پسند می‌توان به کلی اشاره کرد رفتار اجتماعی جامعه پسند می‌توان دسته به رفتارهای اشاره دارد که با قوانین به معیارهای جامعه مطابقت ندارد و اغلب پیامدهای منفی اجتماعی را برای فردی که مرتکب این رفتارها می‌شود به همراه دارد از جمله رفتارهای جامعه ستیز می‌توان به قانون شکنی اشاره کرد راجع به تقسیم بندی و رفتار اجتماعی به گونه ای که در بالا مطرح شده نکته مهم و ظریفی وجود دارد که لازم است در اینجا به اختصار نسبت به آن پرداخت و ذهن خواننده را به این نکته حساس کرد راجع به تقسیم بندی رفتار اجتماعی به گونه ای این است که معیار رفتار خوب یا بد اجتماعی چیست عبارت دیگر آیا یک و رفتار اجتماعی خوب یابد همواره و همه جا خوب یا بد است طبیعتاً پاسخ منفی است که بسا رفتار خوبی از فرد یا گروهی در موقعیتی سر بزند که مورد پسند به جامعه ای که در آن زندگی می کند نباشد و مورد تهدید و تنبیه هم قرار بگیرد اما الزاماً آن رفتار

در جوامع دیگر بدن باشد برای مثال زمانی که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رسالت خویش را اعلام کرد جامعه آن روز عرب آن را به رفتاری جامعه ستیز دانست در حالی که رفتاری درست بود امروز این حرف می‌تواند مصداق داشته باشد برای مثال در جامعه امروزی که مصرف‌گرایی به یک رفتار اجتماعی جامعه پسند تبدیل شده است اگر فردی یا گروهی رفتار صرفه‌جویانه داشته باشد ممکن است آن را نامناسب بداند در حالیکه این یک رفتار درست و مطابق با آموزه‌های اسلامی و انسانی است از سوی دیگر چه وسایلی رفتاری از یک فرد و گروه در یک جامعه سر بزند و جامعه آن را مورد تایید قرار دهد ولی در حقیقت درست نباشد و فرد و اجتماع را به سوی انحراف حرکت دهد برای مثال جوانی که در جمع دوستان خود اقدام به مصرف سیگار می‌کند و مورد ستایش آنان نیز واقع می‌گردد رفتاری کرده که به ظاهر جامعه پسند است اما در حقیقت جزو رفتارهای جامعه ستیز قرار می‌گیرد این گونه رفتارها در سطح کلان جامعه نیز نیز مشاهده می‌شوند مل تشکیل دهنده رفتار اجتماعی درباره عوامل شکل دهنده رفتار انسان در اجتماع به شدت اختلاف نظر

وجود دارد در مورد این که منشاء رفتار انسان در اجتماع چیست و چرا و چگونه رفتار اجتماعی از انسان صادر می شود دیدگاه های گوناگونی وجود دارد به طور کلی می توان عوامل شکل دهنده رفتار اجتماعی انسان را به دو دسته کلی به شرح ذیل تقسیم کرد. وراثت برخی از متخصصان علوم اجتماعی و دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی معتقدند که ریشه رفتارهای انسان در اجتماع وراثت است از نظر این گروه انسان موجودی اساساً اجتماعی است و اجتماعی بودن در طبیعت او نهفته است

محیط و ویژگی های آن تاثیر چندانی بر رفتار فرد در جامعه ندارد به اعتقاد برخی از اندیشمندان اجتماعی بودن انسان بر خلاف حیوانات رفتاری غریزی نیست بلکه انسان خود و با اراده و اختیار زندگی اجتماعی را انتخاب میکند و اجتماعی می تواند جایگاهی برای رسیدن به کمال باشد محیط برخلاف دیدگاه فوق به نظر برخی دیگر از روانشناسان و متخصصان اجتماعی محیط زندگی انسان عامل اصلی شکل دهنده رفتار اجتماعی است و به راست و زمینه های ژنتیکی نقش تعیین کننده ای در این خصوص ندارند گروه از روانشناسان که به رفتارگراها معروف شده اند به

گونه‌ای افراطی به این موضوع می‌نگرند ، و معتقدند که فقط محیط است که رفتار انسان را تعیین می‌کند این گروه بر این عقیده اند که می‌توان زمینه‌های ژنتیکی رفتار فرد را نیز به وسیله عوامل محیطی کم رنگ کرد با نظر به مراتب فوق می‌توان دو دیدگاه فوق را به نقد کشید و دیدگاه سومی را به این شهر مطرح کرد ریشه رفتار اجتماعی انسان نه مطلقاً به وراثت و نه مطلقاً به محیط بر می‌گردد بلکه متأثر از هر دو عامل است برخی از زمینه های بروز رفتار انسان به ژنتیک بر می‌گردد و به هیچ وجه نمی‌توان آثار آن را در رفتار نادیده گرفت و حذف کرد از سوی دیگر محیط اجتماعی انسان عامل تعیین کننده رفتار اوست برای شکل دهی رفتار می‌توان از محیط بهره گرفت و زمینه های ژنتیکی را هم اصلاح کرد و به مسیر مناسب برگرداند بنابراین رفتار حاصل زمینه‌های ژنتیکی و محیطی است اما اکنون که گفته می‌شود محیط تعیین کننده رفتار انسان است باید دید که محیط چیست در تقسیم بندی محیط می‌توان به دو گونه آن اشاره کرد محیط زیستی زندگی انسان تاثیر بسیار زیادی و رفتار اجتماعی دارد از جمله طبیعت یافته های سخت افزاری انسان تغییرات آب و هوایی در

حوادث طبیعی و غیره در نتیجه رفتار انسان‌ها بر اساس مناطق جغرافیایی که در آن زندگی می‌کنند با یکدیگر فرق می‌کند این موضوع به تفصیل در فصول قبلی کتاب مطرح شد محیط انسانی محیط انسانی به طور عمده به آموزش رفتار به افراد بر می‌گردد به این معنا که محیط طبیعی به وسیله انسان به گونه‌ای دستکاری می‌شود که رفتار اجتماعی افراد آنگونه که مطلوب است شکل بگیرد با توجه به این که محیط‌های انسانی با هم متفاوتند براین رفتار افراد نیز متفاوت خواهد بود محیط‌های انسانی مطلوب از طریق آموزش مناسب به محیط‌های فرهنگی تبدیل می‌شوند محیط انسانی ممکن است هم جنبه نرم افزاری داشته باشد که در برگیرنده اندیشه‌ها و عقاید افراد است و هم جنبه سخت افزاری داشته باشد که شامل ابزارهایی است که انسان با اندیشه خود آنها را می‌سازد از جمله سخت افزارها می‌توان به کتاب‌ها رسانه‌های دیجیتالی و غیره اشاره کرد هر دو دسته فوق در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی افراد موثرند. نقش و اهمیت رفتار اجتماعی جهان امروز دنیای ارتباطات اجتماعی است. همان گونه که در فصل‌های قبلی کتاب گفته شد ما در عصر جهانی شدن می‌کنیم. مهم

ترین ویژگی این عصر ارتباط اسب و ارتباط در عصر جهانی شدن هم از حالت فردی خارج شده و شکل اجتماعی به خود گرفته است وری‌های نوین نیز به این امر کمک کرده و موجب گسترش طولی و عرضی این ارتباطات شده‌اند با توجه به این مراتب شهروند امروز نیز شهروند جهانی یا به تعبیری دیگر که آمده‌اند نامیده می‌شود این فرد برای اینکه بتواند در این عصر زندگی موفقیت آمیزی داشته باشد بایستی در برقراری ارتباطات اجتماعی قابلیت‌های لازم را به دست آورد و بر همین اساس سازمانهای امروزی به گونه‌ای گسترده نسبت به آموزش این رفتارها به کارکنان خود اقدام می‌کنند و در این زمینه برنامه‌های ویژه‌ای دارند انجام کارهای جمعی در سازمانها رمز کارآمدی آنها به شمار می‌آید و بر همین اساس امروزه سازمان های یادگیرنده به گونه‌ای نظام‌مند به این موضوع می‌اندیشند که چگونه می‌توان شرایطی را فراهم آورد که نیروهای انسانی با یکدیگر کار کنند و در ارتباط با هم باشند همه این موارد حکایت از نقش و اهمیت رفتار اجتماعی در دنیای امروز دارد اهمیت و نقش رفتار اجتماعی در جهان امروز تا آنجاست که اینگونه رفتار جای خود را در مباحث روانشناختی به خوبی باز

کرده و حوزه‌ای از روانشناسی به نام روانشناسی اجتماعی مطرح شده است یکی از تعاریف روانشناسی اجتماعی نفوذی است که مردم بر عقاید و رفتار یکدیگر دارند از آنجایی که مردم بیشتر وقت خود را در تعامل با مردم دیگر می‌گذارند می‌گذرانیم تحت تحت تاثیر آنها قرار می‌گیریم و آنها را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهیم روانشناسی اجتماعی به مطالعه موفق موقعیت‌ها می‌پردازد که بر رفتار مردم تاثیر دارد و همچنین در مباحث روانشناختی از جمله در نظریه هوش‌های چندگانه که اخیراً از سوی گاردنر مطرح شده است یکی از انواع هوش هوش میان فردی نام گرفته است منظور از این نوع هوش توانایی درک دیگران و ایجاد تعامل موثر با آنان است فردی که از هوش میان فردی برخوردار است و می‌تواند متوجه خلق دیگران شود و مقاصد و امیال آنها را تشخیص دهد سیف ۱۳۸۶ ۳۳ و برخی معتقدند که مفهوم هوش هیجانی تعبیری دیگری از همان هوش میان فردی است. هوش هیجانی که از سوی سالووی و مایع مطرح شده عبارت است از توانایی فرد در نظارت و احساسات و هیجان‌های خود و دیگران به منظور متمایز ساختن آنها است یکدیگر به استفاده از این اطلاعات برای هدایت

اندیشه و عمل خود است بر اساس مراتب فوق می توان چنین نتیجه گرفت برای اینکه فرد بتواند رفتار اجتماعی مناسب و صحیح داشته باشد و در ارتباط با دیگران موفق عمل کند لازم است که چگونگی انجام این رفتار را آموزش ببیند بنابر این زندگی اجتماعی و چگونگی سازگاری با شرایط آن مستلزم آموختن قابلیت های فراوانی است حتی امروزه هم هوش را قابل آموزش می دانند و معتقدند که هوش اجتماعی که در بالا با عناوین هوش میان فردی و هوش هیجانی از آن یاد شد بر اثر آموزش رشد می یابد و کامل می شود فرد با آموزش اجتماعی قابلیت آن را پیدا می کند تا رفتارهای اجتماعی مناسب را انجام دهد قانون گرایی تعریف قانون و قانونگرایی قانون مجموعه ای از دستورالعمل هایی است که از سوی مجموعه ای از موسسات به اجرا گذاشته می شود و به مثابه میانجی در پیوندهای بین مردم عمل می کند به طور کلی قانون در نوشته ها و گفته ها به دو مفهوم به شرح زیر به کار می رود مفهوم و شامل قوانین طبیعی نظری و موضوعی است که برای هر یک تعاریف ویژه وجود دارد از این منظر قانون هر نوع وضعیت طبیعی و انسانی است که انسان را احاطه کرده و وظیفه دارد یا حتی

ناچار است در چارچوب آن عمل کند مفهوم خاص عبارت از هر نوع حکم یا دستوری است که برای هدایت اعمال و رفتارهای افراد در جامعه و شده باشد از این حیث قانون شامل مصوبات پارلمان مجلس نخبگان یا فرماندم است دایره تعبیر خاص از قانون نیز وصی است و هر چیزی که به نحوه به تدبیر امور مردم و تحکیم حاکمیت اجتماعی سیاسی مربوط می شود در این دایره قرار می گیرد. بررسی وضعیت محتوا و پذیرش قانون هستی به تعریفی که از آن وجود دارد در حوزه های مختلف مورد توجه است هر رشته در حوزه تخصصی و وجهی و نمودی از قانون را در جامعه بررسی می کنند اما آنچه در کلیه رشته ها مشترک است بررسی قانون در میان اجتماع و جامعه و چگونگی تعامل افراد جامعه با آن است به عبارت دیگر آرمان گرایی یا ریزی و اجتماعی است که همه رشته های علوم اجتماعی و انسانی و آن توجه می کند قانون گرایی عبارت است از مجموعه رفتارهای فردی و اجتماعی است که بیانگر اجرا و رعایت قانون است این موضوع در رشته های حقوق جامعه شناسی و روانشناسی علوم سیاسی و فلسفه به شکل های نسبتاً متفاوت مورد توجه و بررسی است از نظر علم حقوق که اساساً حول

موضوع قانون شکل گرفته است قانون یک حق یا تکلیف اجتماعی است که منشاء آن مذهب خداوند یا میثاق های جمعی اجتماع است از دیدگاه قانون نهاد یا سازمان اجتماعی رسمی است که بیش از هر چیز ریشه در شرایط تعاملات و قراردادهای اجتماعی دارد از این دیدگاه با دو منظر کارکردگرایانه بسته ستیز گرایانه پدیده نظم و قانون گرایی در جامعه مورد بررسی قرار می گیرد اول به کارکردهای نظم بخشی حاصل از قانون توجه می کند زور قانون اجتماعی را سبب تضاد آفرینی و مبارزه جویی تلقی می کنند علم روانشناسی گرایی به عنوان یک صفت به حالت اجتماعی و تعامل بین صفت و حالت در نظر گرفته می شود که اساساً متأثر از ساختار شخصیتی افراد و انگیزه های اجتماعی است از این منظر ایجاد رفتارهای قانون گرایانه مستلزم ایجاد انگیزه های درونی و بیرونی قانون گرایی است در اندیشه سیاسی نیست قانون گرایی یک وضعیت سیاسی حکومتی به حساب می آید که در راستای انضباط و ثبات سامان سیاسی انجام می گیرد از این منظر قانون تعیین کننده هرود وظیفه فعالیت و دخالت شهروندان در نظام سیاسی است و ن گرایی به معنای قاعده مند کردن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای

تدوین شده و مورد پذیرش اکثریت افراد جامعه و باعث تداوم و عوام جامعه است قانون‌گرایی پیامدهای بسیار زیادی برای جامعه دارد و تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی متضمن رعایت قوانین و مقررات است از جمله این اهداف می‌توان به تحقق آزادی، عدالت، امنیت و بسیاری دیگر از اهداف اجتماعی اشاره کرد.

عوامل موثر بر نهادینه کردن قانون و قانون‌گرایی نهادینه کردن قانون از عوامل زیادی متأثر است از این عوامل به خود قانون و قانون‌گذاران و برخی دیگر به محیطی که در آن قانون مصوب می‌شود برمی‌گردند واژه نهادینه شدن معنای خاص و با ارزشی برای قانون دارد قانون پس از طی فرآیندی به تصویب می‌رسد سپس به اجرا در می‌آید اما هنوز نمی‌توان گفت که نهادینه شده است نهادینه شدن یک قانون مرحله متعالی اجرای آن است و تاب سیدن به این مرحله تلاش فراوان و زمانی طولانی لازم است بر اساس مراتب فوق به طور کلی مهمترین عوامل نهادینه شدن قانون و آرمان‌گرایی به شرح زیرند الف آموزش بدون شک مهمترین عامل نهادینه شدن قانون در جامعه آموزش است اگر مردم یک کشور آموزش لازم را در زمینه قوانین موضوع دریافت نکنند به هیچ وجه

نمی توان امیدوار بود که آن قوانین را به درستی اجرا کنند البته همانگونه که در فصل های قبلی کتاب هم گفته شد آموزش قوانین سفت و به معنای آن نیست که افراد جامعه در زمینه آن قوانین شناخت به دست آورند بلکه لازم است که از طریق دستگاه ها یک ترتیبی نگرش لازم و مثبت نسبت به اجرای قوانین به آنها داده شود و آنان قوانین را به باور تبدیل کنند وقتی اجرای قوانین به باور تبدیل شد رفتار مردم نیز در اجرای آن به مرحله تثبیت می رسد به مشارکت نهادینه شدن قانون در جامعه نیازمند آن است که دستگاه ها و سازمان های مختلف دولتی و مردم آنها برای اجرای قانون با یکدیگر مشارکت کنند این امر مستلزم بسیج همگانی و اراده جمعی همه نهادهای اجتماعی است اگر در اجرای قوانین اجتماعی نهادهای مربوط با یکدیگر همکاری نکنند یا اینکه حتی در اجرای قوانین به مخالفت با هم پردازند نمی توان به نهادینه کردن قانون و قانون گرایی در جامعه امیدوار بود برای مثال فرض کنید که قانونی برای رفع آلودگی هوا در کلانشهرهای کشور تصویب می شود طبیعتاً برای اجرا شدن درستی قانون نهادهای مختلف کشور از جمله محیط زیست صنعت حمل و نقل اختصاص و

غیره باگت کاملاً و با هماهنگی با یکدیگر مشارکت کند و گرنه همان گونه که اکنون مشاهده می کنیم قوانین زیادی در این خصوص در این خصوص مصوب شده ولی به شکل صحیح به اجرا در نیامده و به عبارت درست تر نهادینه نشده است. ضمانت اجرا یکی از عوامل موثر در نهادینه شدن قانون ضمانت اجرای آن است ضمانت اجرا به معنی این است که قانون باید اجرایی بشود به شکلی عملیاتی در آید در کشور ما قوانین خیلی زیادی مصوب شده ولی بسیاری از آن ها یا اجرا نمی شوند و یا نهادینه نشده اند برای اینکه قانون ضمانت اجرایی داشته باشد می بایستی اجرای آن آسان باشد منابع مختلف برای عملیاتی شدن آن پیش بینی شده باشد افراد از اجرای آن لذت ببرند با قوانین دیگر کشور در تناقض و یا تضاد نباشد اصول و معیارهای ارزشی کشور را به زیر سوال نبرد و غیره (د) اگر تشویق وجه مثبت و ایجابی برای نهادینه کردن قانون به شمار می آید الزام می تواند وجه منفی و سلبی این کار باشد به همان اندازه که افراد مجری قانون و مطیع آن باید مورد تشویق قرار گیرند افرادی که به اجرای قوانین علاقه ای ندارند نسبت به آن بی تفاوت و یا در بدترین حالت قانون شکن باید ملزم به تبعیت

از قانون شوند البته تشویق همیشه بهتر است تنبیه جواب می دهد و به این دلیل هم قبل از آن مطرح شده است می کند در نهایت همه باید به قوانین احترام بگذارند و آن را به مثابه خط قرمز زندگی اجتماعی قرار دهند بر این اساس کسانی که پایبند قانون نیستند در نهایت باید ابزارهای قهرآمیز و اجبار و تنبیه مواجه و ملزم به اجرای قانون شوند.

قانون شکنی:

همانگونه که قانون و رعایت قانون یک ارزش است و جنبه مثبت فرهنگ یک جامعه و راهکاری برای توسعه فرهنگی اجتماعی و اقتصادی آن جامعه به شمار می رود قانون شکنی وجه منفی فرهنگ است و جامعه را از توسعه دور می کند قانون شکنی و عبارات مشابه به آن مانند قانون گریزی دو زدن قانون نوعی ناهنجاری اجتماعی هستند برخی از جامعه شناسان واژه آنومی را برای آن به کار می برند برای مثال دورکیم آنومی را مخصوص جامعه می داند که در آن مخالفت های اساسی با هنجارهای شایسته صورت می گیرد به نظر او در فرایند انتقال جوامع از وضعیت سنتی به مدرن اخلاق با سرعت کمتری از فناوری انتقال

می یابد و همین امر موجب آنومی می شود دورکیم معتقد است زمانی که به اعتبار خود را نزد مردم از دست بدهند مردم به قانون شکنی روی می آورند نیز معتقد است که زمانی آنومی وجود می آید که مردم نتوانند به اهداف مورد نظر از طریق ابزار و وسایل معمول دست یابد در یک جامعه سالم ثبات وجود دارد و مردم نقش های اجتماعی را می پذیرند و مطابق هنجارها و قواعد اجتماعی عمل می کند یکی از مشکلات اساسی در جامعه ما محسوب می شود و این پدیده گذشتن مورد پذیرش اسلام و نه بزرگان کشور است تا جایی که حضرت امام خمینی (ره) قانون شکنی را عملی حرام و خلاف شرع می دانستند و مقام معظم رهبری نیست عمل به قوانین را لازم و واجب می دانند هر ساله برخی از ارقام بودجه کشور صرف مقابله و مبارزه با پدیده قانون شکنی می شود اگر ساز و کارهای در نظر گرفته شود که از قانون شکنی و قانون گریزی پیشگیری به عمل آید بهتر از مقابله با آن است که پیشگیری از این پدیده مستلزم شناخت و ریشه یابی علل و عوامل آن است گسترش قانون شکنی و قانون ستیزی در کشور ما علاوه بر ریشه تاریخی و عوامل متعدد دیگری و بستگی دارد که

برخی از مهمترین آنها به شرح زیر است الف قانون پذیر نبودن برخی مسئولان و نهادهای حکومتی یکی از موانع ایجاد و رواج فرهنگ قانون پذیری در جامعه ماهاان پذیر نبودن برخی از مسئولین و نهادهای حکومتی است در یک جامعه ضابط مند مخاطبان قانون فقط مردم نیستند رابطه فرد و قانون یک بعد از جامعه ضابط مند است بعد صلی چنین جامعه قانون مداری و رعایت قانون توسط دولت ارگانهای دولتی گروه‌های ذی‌نفوذ و به طور کلی حکومت است حکومت مطلوب و ایده‌آل حکومتی نیست که فقط شهروندان آن مطیع محض قوانین باشد و نهادهای حکومتی تکلیفی در این باب نداشته باشد اساساً اگر ارگان های حکومتی مقید به قانون نباشد قانون‌مند کردن شهروندان غیر ممکن خواهد بود باید مکانیزمی فراهم شود تا به وسیله آن همانطور که افراد معمولی جامعه به دلیل عدم مراعات قانون مورد بازخواست قرار می‌گیرند به همان ترتیب ارگان های حکومتی هم در صورت خطا قابل پیگرد باشد جامعه‌ای که برخی دولتمردان آن از مردم توقع دارند در مقابل تمام فعالیت‌های ارگانهای دولتی تسلیم باشند و آنها را تصدیق کنند و حق ارزیابی و عملکرد آنها را نداشته

باشند و به عبارتی دیگر خود را آزاد از مراعات قانون تلقی کنند در چنین جامعه ای نمی توان از مردم انتظار داشت که آنها حتما در چارچوب قانون عمل کنند به فقدان علم و آگاهی به وجود قوانین و مقررات یکی از عوامل عمده قانون شکنی عدم اطلاع و آگاهی افراد از قوانین و مقررات موجود است برای اینکه قانون در جامعه حاکم شود باید اعضای جامعه نسبت به آن شناخت و آگاهی کافی داشته باشند یعنی شناخت قدم اول برای اجرای قوانین و مقررات است اگر خواهان یک جامعه آمد تصمیم باید آحاد جامعه قوانین را بشناسند هر چه آمار افرادی که قوانین را می فهمند و به آن دسترسی دارند بیشتر باشد به همان نسبت از میزان جرایم کاسته می شود به این دلیل که نادانی و دودلی نسبت به اجرای مجازات ها و امیال و هوسها میدان می دهد و باعث رواج تدریجی قانون شکنی در جامعه می شود در وضعیت کنونی جهل به قوانین و مقررات در کشور ما معلول عوامل متعددی است مهمترین این عوامل وجود نقیضه و نارسایی در سیستم اطلاع رسانی کشور است نهادهای اطلاع رسانی در کشور از قبیل مطبوعات رادیو و تلویزیون در فرایند آشنا کردن مردم با قوانین و مقررات موجود

نقش قابل توجهی را ایفا می‌کنند و در این زمینه از نقیصه ای که رنج می‌برند مبهم و مکمل بودن به همه فهم بودن قوانین و مقررات یکی از عوامل قانون‌گریزی در کشور وجود قوانین مبهم و مکمل است هنر قانونگذار خوب این است که قوانین را به طور شفاف و عاری از هرگونه ابهام و اجمال تصویب کند قوانینی که فاقد چنین خصیصه ای هستند دستاویزی برای تفسیر به رای می‌شود هر فردی با قرائت خاص خود قانون را تفسیر کرده و سعی دارد تا از قلمرو و شمول چنین قانونی فرار کند به منظور پیشگیری از وقوع جرم در جامعه باید کوشید تا قوانین روشن و ساده باشند اجمال قوانین چون بهانه ای برای تفسیر فراهم می‌کند مسلماً زیانبار است و این زیان بیشتر خواهد بود اگر قوانین به زبان دیگری که مردم به آن بیگانه اند نوشته شده باشد به بیان دیگر هر اندازه کسانی که قوانین را می‌فهمند بیشتر باشند همان قدر از میزان جرایم کاسته می‌شود انشا و مضمون قانون باید به قدری سریع و ساده و شفاف باشد که هر خواننده‌ای بتواند به سادگی به مفهوم آن پی برد. کارایی ناقص دستگاه‌های نظارتی یکی از عوامل قانون شکنی در جامعه فقدان کارآیی مناسب و کافی

دستگاه‌های نظارتی است اگر نهادهای نظارت کننده در پیگیری و تنبیه قانون‌شکنان کارآمد نباشند این امر به جهات مختلف باعث توسعه و شیوع قانون ستیزی در جامعه می‌شود تسامح و نهادهای قانونی مقابله با قانون شکنان باعث جسارت بیشتر متخلفان و قانون ستیزان می‌شود و امید گریز از کیفر آنها را بیش از پیش جسور در بی پروا می کند وانگهی عدم کارایی ساز و کارهای قانونی موجب گسترش اقدام خودسرانه می شود که این امر نیز نوعی قانون شکنی تلقی می شود کلیه دستگاه‌های نظارتی از جمله قوه قضاییه دیوان محاسبات عمومی و کمیسیون اصل ۹۰ زمان مقابله با قانون شکنان جامعه باید به نقش سایر نهادهای مدنی و دموکراتیک نظیر مطبوعات و احزاب نیز توجه کنند نهادهای مدنی نظیر مطبوعات باید تخلفات و نابهنجاری های موجود در جامعه را از زوایای عدیده به ویژه از منظر آسیب شناسی اجتماعی مورد مطالعه و مراقبه قرار دهند و به ریشه یابی علل تکوین آنها بپردازد البته برای مقابله با قانون شکنان تنها از مجاری قانونی استفاده کرد و از مقابل به مثل و برخورد خودسرانه با نقض کنندگان قانون اکیداً خودداری گردد برخورد با افراد قانون شکن تنها باید از طریق ساز

و کارهای قانونی باشد مقابله با چنین ناهنجاریهای از طریق غیرمتعارف و غیرقانونی امری مذموم است و این نسخه به هیچ وجه تجویز نمی شود عدم مطابقت قوانین با واقعیات و اخلاقیات جامعه یکی از عوامل عدم استقبال مردم از اجرای قوانین موضوعه مطابقت نداشتن آنها با اخلاقیات و واقعیات حاکم بر جامعه است اگر قوانین موضوع با موازین اخلاقی و واقعیات جامعه مطابقت و موافقت نداشته باشند مردم به انحنای گوناگون سعی کنند از زیر بار اجرای چنین مقرراتی شانه خالی کند قانون گذار خواه و ناخواه از نفوذ اخلاق محیط خود مسئول نیست و ناچار است که برای حفظ نظم و تامین اجرای قانون قواعد اخلاقی جامعه را رعایت کند یعنی تا حد امکان به کاری فرمان دهد که مردم نیز آن را نیکو می شمارند و عادتی را نه کند که وجدان عمومی هم از آن گریزان است گزار نباید قانونی را وضع کند که با اخلاق حسنه عمومی مغایرت داشته باشد در این صورت مردم است اجرای آن اهتزاز می کنند میان احساس گریز از یک سو و هرج و مرج در روند قانونگذاری از سوی دیگر رابطه ای تنگاتنگ وجود دارد.

